هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۲ | چهارشنبه ۲۱ دلو ۱۳۸۳ | ۳۰ ذی الحجه ۱۴۲۵ - 9 February 2005

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

گزارش کمیسیون حقوق بشر و سؤال انصاف و بیطرفی!

ص۲

د درمل شیندلو دویمه فاجعه

ص۵

در کنفرانس بین المللی مبارزه با تروریسم

بر ضرورت مبارزه با شبکهٔ القاعده تأکید شد

مقامات بلند پایه و کارشناسان مبارزه با تروریسم بیش از پنجاه کشور جهان به روز شنبه هفدهٔ دلو سال روان یک کنفرانس چهار روزه را در ریاض پایتخت عربستان سعودی آغاز کردند، این کنفرانس روز سه شنبه با صدور قطعنامه یی پایان یافت.

امیر عبدالله ، ولی عهد عربستان سعودی در مراسم گشایش این کنفرانس گفت: جهان نمی تواند بدون مبارزه علیه سه جنایت جهانی؛ قاچاق اسلحه، قاچاق مواد مخدر وپولشویی با تروریزم بجنگد.

امیر عبدالله خواستار آن شد که جهت جلوگیری از بروز



امیر عبدالله ولیعهد عربستان سعودی

حملات، یک مرکز بین المللی مبارزه با تروریسم برای تبادل اطلاعات و ارتباط میان کارشناسان ایجاد شود.

به نظر برخی تحلیلگران غربی ، سعودی از این کنفرانس برای برجسته ساختن تلاش هایی ص۷

شش روز پس از سقوط هواپیمای کام ایر

هنوز سرنوشت قربانیان نامعلوم است

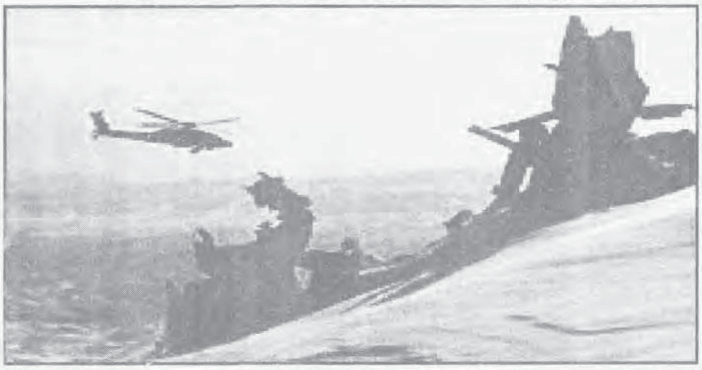
پس از پنج روز از سقوط هواپیمای شرکت کام ایر هنوز اجساد قربانیان این سانحه به دست نیامده و از مرگ و زنده بودن ۱۰۴ سرنشین این هواپیما هیچ اطلاعی در دست نیست.

آقارب مسافران این هواپیما از شرکت هوایی کام ایر خواسته اند تا هرچه زودتر اجساد قربانیان را به خانواده های شان تسلیم بدهد. آن ها عمل کرد نیروهای امنیتی داخلی و نیروهای آیساف را در مورد دریافت قربانیان این حادثه مورد انتقاد قرار داده اند.

هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ مربوط شرکت خصوصی هواپیمایی کام ایر بعداز ظهر روز پنجشنبه ۱۵ دلو از هرات به سوی کابل پرواز کرد، پس از آن که به علت خرابی هوا در میدان هوایی کابل نتوانست نشست نماید، به گفتهٔ مسؤولین هواشناسی ازصفحه راهدار خارج شد، و ناپدید گشت.

گروه های جستجو و نجات روز شنبه ۱۷ دلو محل سقوط هواپیمای مذکور را در ساحهٔ چپری غر مربوط ولسوالی خاک جبار در ۳۰ کیلومتری میدان هوایی کابل تثبیت کردند ولی به گفتهٔ آنها به علت خرابی هوا نتوانستند برای دریافت اجساد عملیاتی انجام دهند.

گروه جستجو باالآخره روز دوشنبه ۱۹ دلو توانست توسط هلیکوپتر خود را به نقطه یی از کوه برساند که پارچه یی از هواپیمای مذکور در آن جا باقی است ولی از سرنشینان این هواپیما تا کنون هیچ اطلاعی در دست نیست. ص۸



زن، نبوت و رسالت

ص۷

په کونړ کې اتیا فیصده کوکنار له مینځه وړل شوي

د آشنا راډیو د خبر له مخې په افغانستان کې د مخدره موادو سره د مبارزې په اړه د جمهور رئیس حامد کرزي د ځانګړي فرمان په اساس د کنړ ولایت دولتي چارواکو په دغه ولایت کې په زراعتي ځمکه د کوکنارو اتیا په سلو کې په شاو خواکې کرل شوي کروندي له منځه وړي د دغه ولایت والي سید فضل اکبر د آشنا راډیو ته وویل چې دوي د کوکنارو د کروندو په وړاندې په مبارزه کې د هوارو سیمو فصل له منځه یووړ

یواځې دا محدوده اندازه چې پاتې ده په جګو غرونو او مخصوصاً په سرحدي سیمو کې ده. سید فضل اکبر وایي دوي کوشش کوي په سیمه کې د کوکنارو د کر دمخنیوي او خلکو ته د روزګار د پیدا کولو په برخه کې خصوصي سکتورونو ته وده ورکړي. او د کوکنارو په بدیل کې به د داسې بوټو رواجولو او هڅوي ته د بازار په پیدا کولو کې هڅه کوي چې خلک په خپله خوښه د کوکنارو د کر څخه لاس واخلي.

د افغانستان ختیځ ولایت کونړ چې یو غرنی او ځنګل لرونکي ولایت دي پدغه ولایت کې دکرکیلي ځمکه د نورو سیمو په پرتله لږه ده. او دبلې خوا په دغه ولایت کې د دولت مخالفین هم وخت نا وخته په تخریبي اعمالو لاس پورې کوي که دولت او نړیواله ټولنه د دې سیمې دخلکو سره د کوکنارو په بدیل کې مرسته ونکړي مخالفین به له دوي نه د دولت په وړاندې کټه پورته کړي.

به مناسبت بیست وششمین سالروزپیروزی انقلاب اسلامی ایران

مشخصات بارز و برجستهٔ انقلاب اسلامی ایران

محمد نسیم فقیری

بیست و شش سال از پیروزی انقلاب اسلامی واستقرار نظام جمهوری اسلامی درکشور دوست، همسایه و برادر ما ایران می گذرد.

در مورد شکوه و عظمت این انقلاب بزرگ، پی آمدها، تأثیر گذاری ها و دست آوردهای آن مطالب زیادی گفته شده و مقالات وکتاب های بی شماری نوشته شده است.

انقلاب اسلامی ایران - مانند هر انقلاب دیگر - مورد نقد محققان وتحلیل گران داخلی و خارجی نیز قرار گرفته ونقاط قوت و ضعف آن برجسته ساخته شده است، رویهمرفته تحولات سیاسی و اجراآت حکومات پس از انقلاب در ترازوی داوری قرار داده شده و سبک وسنگین آن نشان دهی گردیده است.

واضح و مبرهن است که انقلاب اسلامی ایران و جهاد مردم افغانستان دو تحول بزرگ جهانی در آغاز ربع چهارم قرن بیستم بوده که بر تاریخ و جغرافیای سیاسی دنیا تأثیرات عمیق وماندگاری به جا گذاشته است.



هر دو تحول با انگیزه های دینی و جهاد بر ضد ستم داخلی و استیلای خارجی و برای استقرار و حاکمیت نظام ص۶

به بهانهٔ ۲۶ دلو روز خروج ارتش سرخ ازافغانستان

آن روزها!

ص۳





خروج قوتهای شوروی از افغانستان پیامد ها ونتایج

ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل - چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

گزارش کمیسیون حقوق بشر و سؤال انصاف و بیطرفی!

هفتهٔ گذشته گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر حاوی نظر خواهی و مشورهٔ ملی در رابطه به جنایات جنگی و ضد بشری گذشته در افغانستان طی پنج فصل و پنج ضمیمه به نشر رسید. این گزارش در رسانه ها به صورت وسیع انعکاس یافت و واکنش های مختلف، متفاوت و متضادی را بر انگیخت.

گرچه در مقدمهٔ فصل اول این گزارش تحت عنوان "میراث نقض حقوق بشر در افغانستان" آمده است:

"این گزارش سعی ندارد تا موارد نقض حقوق بشر در گذشته را جمع آوری و ثبت نماید، بلکه در این گزارش کوشش شده است تا برداشت پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان برنامهٔ نظر خواهی ملی در خصوص جنگ، عواقب جنگ و عوامل آن انعکاس داده شود." ولی عده یی این گزارش را سر آغازی می دانند برای اقدامات بعدی و موجی از اتهامات و اقامهٔ دعوی علیه اشخاص وگروه ها.

در گزارش مذکور، ناقضان حقوق بشر به جای افراد مشخص، بیشتر به صورت رژیم ها و گروه ها نشان داده شده است و از حکومات خلق و پرچم، مجاهدین و طالبان ویکی دو گروه نام برده شده است.

بعضی ها در مورد کمیسیون حقوق بشر سؤال هایی را مطرح و در بی طرفی ومنصفانه بودن اجراآت آن شک نموده و برخی رئیس و اعضای ارشد آن را به داشتن تمایلات خاص سیاسی و ایدئولوژیک و به صورت مشخص عضویت در سازمان های مائویستی در گذشته و حال متهم نموده اند.

گفتنی است که سازمان های یاد شده، بدنام ترین گروه های ناقض حقوق بشر شناخته شده اند و به خصوص ترور و تصفیه های مخالفان و درون گروهی از مشخصات آنان است.

به نظر تعدادی از تحلیل گران، این گزارش فراتر از وظایفی است که قانون به عهدهٔ این کمیسیون گذاشته است.

مادهٔ پنجاه وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان می گوید: "دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس می نماید.

هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

به استناد مادهٔ ۵۸ سؤال های زیر مطرح می گردد:

۱- آیا این حکم قانون فقط در مورد نقض حقوق بشر در حال بوده و ناظر بر گذشته نیست؟

۲- آیا فرد متضرر می تواند مستقیماً به محکمه عارض و از نقض حقوق بشری خویش شکایت و یا علیه نقض کننده اقامهٔ دعوی نماید؟ ص۳

خروج قوتهای شوروی از افغانستان پیامد ها ونتایج

تکساری

به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ خورشیدی مطابق فبروری ۱۹۸۹م آخرین افسر شوروی وقت، جنرال بورس گرونوف از طریق پل حیرتان، به گفتهٔ ببرک کارمل، پل دوستی عبور و افغانستان را ترک گفت. در همان سال های خروج نیرو های اشغالگر شوروی وقت، پیروزی ملت افغانستان وشکست شوروی ها را جهانیان از معجزه های قرن بیست قلمداد نمودند و آن را بزرگ ترین حادثهٔ تاریخی جنگ سرد خواندند. خروج این قوتها نتیجه وبرایند مبارزات مسلحانهٔ مردم افغانستان در راستای استقلال طلبی آنهاست. ورنه شوروی قضیهٔ افغانستان وسرنوشت آن را چونان قضیهٔ ملی خویش تلقی می کرد.

کشاندن اتحاد شوروی به میز مذاکره وبین المللی شدن قضیهٔ افغانستان همه وهمه در نتیجهٔ فشار مجاهدان در برابر متجاوزان بوده است. هر وقتی که فشار مجاهدین بالای اشغالگران بیشتر می گردید طبل مذاکره در ملل متحد نواخته می شد.فیصله های متعدد مجمع عمومی ملل متحد، حقوق بشر وناتو، مبتنی بر خروج قوت های شوروی نیز در امتداد همین خط صورت گرفته است.

گزارشگر حقوق بشر سرمنشی ملل متحد د رامور افغانستان آقای ارمکولا، در سومین گزارش خویش در پیرامون افغانستان نوشته بود که جنگ درافغانستان شکل قتل عام را به خود گرفته است. شوروی از بم های ناپالم ومـاین های مختلف استفاده می کند، تلفات کودکان زیاد است وثلث مردم از جبر واکراه مجبور به ترک وطن شده ودر هرماه حد اقل ۸۰۰۰ افغان مهاجر می شود.

در نتیجهٔ فشار مجاهدان، حکومت کابل دست به آزمایش سیاسی می زند، و با اشاره وتصمیم حزب کمونیست اتحاد شوروی وقت، مصالحهٔ ملی در کابل ازطرف دکتر نجیب الله اعلان می شود ومی خواهد بین مجاهدین نفاق ایجاد نماید وآنها را به میانه رو وافراطی تقسیم کند. واز شاه سابق افغانستان محمد ظاهر شاه دعوت به عمل می آورد، تا در قضیهٔ افغانستان مداخله نماید.

اما آن گونه که اسناد نشان می دهد، تنظیم های جهادی هرکدام آشتی با رژیم کابل را مردود می شمارند وحکومت خود را در پشاور اساس می گذارند.

خروج نیرو های اشغالگر از افغانستان زمینهٔ مذاکرات طرفین درگیر وکشورهای منطقه را فراهم می کرد، طوری که رژیم کابل وحکومت اسلام آباد طرح پنج فقره یی ملل متحد در رابطه به حل قضیهٔ افغانستان را ستودند ومجاهدین آن را تا آخرین لحظه با قاطعیت رد نمودند و عملی شدن این طرح را توهین به جهاد وشهدای افغانستان دانستند. خروج این قوت ها چرخش عظیمی در حل سیاسی قضیهٔ افغانستان به جا گذاشت. از یک طرف فعالیت های سیاسی شتاب بیشتر یافت واز جانب دیگر جبهات جنگ ومبارزه علیه رژیم کابل گرم نگهداشته شد.

در اثر ایجاد این فضای سیاسی انجماد فکری سردمداران کرملین به ذوب شدن آغاز می کند ومجاهدین به غرض مذاکره در نوامبر ۱۹۹۱ به مسکو دعوت می شوند و وزیر خارجهٔ روسیه این تقاضای مجاهدان را رد می کند که مسکو نجیب الله را مجبور می سازد از قدرت کنار برود.او اصرار می کند که اتحاد شوروی یک باردر امور داخلی افغانستان مداخله کرد که نتیجهٔ مثبت در پی نداشت و دوباره نمی خواهد در امور این کشور مداخله نماید.

مذاکرات پنج روزهٔ نمایندگان مجاهدین ورهبران فدراسیون روسیه با صدور یک بیانیهٔ مشترک پایان یافت.

که خلاصهٔ آن این است:

۱- دستورارسال سپاه شوروی به افغانستان تقبیح گردید.

۲- طرفین به خاطر انتقال قدرت به یک دولت انتقالی توافق نمودند.

۳- ظرف دوسال انتخابات سراسری زیر سرپرستی ملل متحد وکنفرانس کشورهای اسلامی صورت گیرد:

۴- سرنوشت پیمان ها وموافقتنامه هایی که از سال ۱۳۵۷ به بعد توسط رژیم های کابل ومسکو به امضا رسیده تیزبه وسیلهٔ دولت آینده تعیین خواهد شد.

۵- در آزادی اسرای جنگی شوروی کوشش صورت گیرد.

آنچه دست آورد های مهم جهاد ومقاومت در کشور را برجسته می سازد، همانا محو سیستم ونظام استبدادی مارکسیزم در قلمرو اتحاد شوروی پیشین است

۶- طرف روسیه تأکید کرد که قبل از۱۱ جدی ارسال تسلیحات، تجهیزات جنگی وسوخت جهت مصارف نظامی به کابل را متوقف سازد وهمهٔ پرسونل خود را از افغانستان خارج نماید.

۷- روس ها در اعمار مجدد افغانستان سهم فعال خواهند گرفت.

۸- جهت پیگیری مذاکرت بعدی درظرف یک ماه هیأتی از هر دوجانب تشکیل گردد.

با شکست اتحاد شوروی جنگ سرد در جهان پایان می پذیرد ورابطهٔ شرق وغرب از سر گرفته می شود، که همهٔ این دست آورد ها از برکت جهاد مردم افغانستان می باشد.

اما استاد سیاف جریان این مذاکره را با روس ها یک توطئهٔ جدید علیه جهاد خواند: وگفت مجاهدین مستحق حکومتند ونمی شود آن را به دیگران تقسیم کرد. و از نظر اسلام به گفتهٔ استاد سیاف این مذاکرت مردود خوانده شده.

در حالی که استاد ربانی دریک کنفرانس مطبوعاتی ، دیدار مسکو را تایید نموده گفت که جنگ افغانستان از مسکو شروع شده ودر همانجا ممکن است خاتمه یابد. نمایندگان حزب اسلامی، اتحاد اسلامی، وحزب اسلامی یونس خالص درترکیب این هیأت شرکت نداشتند.

خروج قوت های اشغالگر ازافغانستان جهانیان را به حل قضایای پیچیدهٔ افغانستان امیدوار ساخته بود، اما نتیجه برعکس تبلور یافت. تمام طرح ها ، اعم از کشور های اسلامی وغیر اسلامی وطرح های پنج فقره یی ملل متحد منتج به کدام نتیجه نگردید. جنگ ها درکشور شدت یافت ومجاهدین به قوت نظامی خود داخل شهرها، ولایات و پایتخت کشور گردیدند. وزمان بندی های زمانی درمورد حکومت های مجاهدین مانند حکومت ممثل وعبوری نتوانست جلو درگیری ها در کشور را بگیرد که سر انجام فاجعه یی بزرگ کشور را فرا گرفت و نظام طالبانی در اکثرمناطق افغانستان تسلط یافت. اما آنچه دست آورد های مهم جهاد ومقاومت در کشور را برجسته می سازد، همانا محو سیستم ونظام استبدادی مارکسیزم در قلمرو اتحاد شوروی پیشین است که در فرجام این حکومت ایدئولوژیک در برابر موجی از مبارزات مردم افغانستان وتضاد های درون جامعهٔ شوروی، نتوانست از خود دفاع نماید، و این بزرگ ترین دست آورد جهاد ومقاومت در افغانستان است. این جهاد سدی بوده است در برابر نفوذ ایدئو لوژی کمونیزم به کشورهای منطقه وجهان. همچنان جریان استقلال طلبی در کشور های تحت تسلط اتحاد شوروی سابق شدت می یابد وکشورهایی که در طی هفتاد سال از سوی این نظام ایدئولوژیک در چهارچوب سیستم جهانی مارکسیزم اشغال گردیده بود، به آزادی می رسند وتعیین سرنوشت این کشورها بر مبنای دین، عقیده، وزبان وقلمرو دو باره عرض وجود می نماید و با شکست اتحاد شوروی جنگ سرد در جهان پایان می پذیرد ورابطهٔ شرق وغرب از سر گرفته می شود، که همهٔ این دست آورد ها از برکت جهاد مردم افغانستان می باشد.

از این رو باید به جهاد ومقاومت مردم افغانستان ارج گذاشت واز آن به خوبی تحلیل کرد، زیرا آنها بودند که جان دادند وجان بخشیدند.

آن روزها!

وحید مژده

سال ۱۹۸۹ میلادی برای مجاهدین با یک خبر عاجل آغاز شد. به رهبران تمام تنظیم های جهادی مستقر در پشاور خبر داده شد تا با اعضای شورای اجرائیهٔ شان به کمپ جلوزو در پشاور حضور بهم رسانند. این گردهمایی توسط جنرال حمید گل رئیس ادارهٔ استخبارات نظامی اردوی پاکستان آی اس آی در روز اول جنوری که فقط شش هفته به خروج نیرو های روسی از افغانستان باقی مانده بود، سازمان داده شد.

در این جلسه برعلاوه از رهبران هفت تنظیم، یکصد وچهل تن از اعضای شورای اجرائیهٔ آن تنظیم ها، از هر تنظیم بیست نفر، شرکت کرده بودند.

بعد از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، حمید گل طی سخنانی با تندی بسیار رهبران مجاهدین را به خاطر اختلافات شان مورد انتقاد قرار داد و از اعضای اجرائیهٔ تنظیم ها خواست که بیش از این در انتظار وحدت رهبران شان نمانند و در مدت سه روز طرحی برای آیندهٔ افغانستان ارائه داده و دولتی تشکیل دهند. قرار براین شد تا یک شورای ۴۲۰ نفری که از هر تنظیم ۶۰ نفر در آن شرکت داشته باشند، تشکیل گردد. از گروه های شیعهٔ مستقر در ایران نیز عده یی برای شرکت در این شورا دعوت خواهند شد.

رهبران جهادی هرکدام دراین جلسه صحبت مختصری داشتند. کمترین مدت صحبت را حکمتیار داشت که کمتر از پنج دقیقه با ناراحتی سخن گفت.

سخنان حمید گل انعکاس از آن داشت که حوصلهٔ پاکستان از اختلافات مجاهدین به سر آمده است. وی از عدم موجودیت یک طرح از طرف اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان برای آیندهٔ این کشور اظهار نگرانی شدید نمود.

فردای آن روز یوری ورنتسوف معین وزارت خارجهٔ شوروی به تهران رفت تا با نمایندگان سازمان های جهادی شیعه و مقامات ایرانی در مورد انکشافات اوضاع در افغانستان مذاکره نماید. قرار براین شد که وی روز چهارشنبه چهارم جنوری به پشاور بیاید و با نمایندگان اتحاد پشاور مذاکره کند.

تقریباً مشخص بود که تماس هایی میان شوروی، ایران و پاکستان در جریان است. رهبران مجاهدین شیعه سوم جنوری به پشاور آمدند تاهمراه با رهبران سنی یکجا با ورنتسوف مذاکره نمایند. شب قبل شیخ محمد آصف محسنی رهبر حرکت اسلامی در مصاحبه با بی بی سی فاش کرد که روسها به ما پیشنهاد کرده بودند که در صورت ساختن یک دولت ائتلافی با نجیب، خودمختاری ولایات مرکزی، غزنی و بامیان را به رسمیت بشناسند اما ما این پیشنهاد را کردیم.

مشخص بود که شوروی ها می خواستند بعد از خروج نیرو های شان از افغانستان، یک دولت قوی در این کشور به وجود نیاید.

مذاکرات در پیی کمپ استاد سیاف ادامه یافت. بعضی ها خواهان تقویت دولت موقت مجاهدین به رهبری انجینیر احمد شاه احمدزی به جای ساختن یک دولت جدید بودند، اما مجددی و پیرگیلانی با این طرح مخالفت داشتند.

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان تصمیم داشت تا مذاکرات با ورنتسوف را مشروط به شرایطی سازد از جمله نظر استاد سیاف و حکمتیار این بود که ورنتسوف نقش سیاسی ظاهر شاه را در آیندهٔ سیاسی افغانستان رد کند. این دو به این نظر بودند که ورنتسوف به جای این که خود را (طرف) نشان دهد، در صدد است تا نقش میانجی را میان مجاهدین و دولت کابل ایفا نماید.

روز پنجشنبه پنجم جنوری مذاکرات با ورنتسوف در شرایطی صورت گرفت که از تنظیم های به اصطلاح بنیاد گرا نمایندگان شان و از رهبران میانه رو رهبران شان (مجددی و گیلانی) اشتراک داشتند. اما این مذاکرات بدون نتیجه به پایان رسید زیرا روس ها با سرسختی بر حضور نمایندگان حزب وطن در دولت آینده پافشاری داشتند. حضرت صاحب طبق عادت با عصبانیت از روسها انتقاد نمود. به نظر می رسید که روس ها طرح مشخصی در مورد آیندهٔ افغانستان ندارند.

حضرت صاحب طبق عادت با عصبانیت از روسها انتقاد نمود. به نظر می رسید که روس ها طرح مشخصی در مورد آیندهٔ افغانستان ندارند.

روز پنجشنبه دوازدهم جنوری اداورد شواردنادزی وزیر خارجهٔ شوروی وارد کابل شد، تا ازدوام کمک های کشورش بعد از خروج ارتش سرخ به افغانستان اطمینان بدهد.

روز چهارشنبه هجدهم جنوری رسماً اعلام شد که اعضای شورای اجرائیه بعد از نشست های متعدد فیصله نمودند تا یک شورای انتقالی که نمایندگی از مردم افغانستان بنماید، تشکیل گردد. دراین شورا نمایندگان از طریق آرای مستقیم مردم در داخل و خارج افغانستان انتخاب خواهند شد. مولوی محمدشاه فضلی بحیث رئیس کمیتهٔ انتخابات تعیین گردید.

قرار شد تا از هر تنظیم مقیم پشاور ۶۰ نفر (مجموعا ۴۲۰ نفر) و از مجموع ائتلاف اهل تشیع در ایران نیز ۶۰ نفر معرفی گردند تا شورای ۴۸۰ نفری تشکیل شود.

فردای آن روزخبر بمباران های سنگین در اطراف شاهراه سالنگ به وسیلهٔ طیارات ارتش سرخ و اردوی رژیم کابل منتشر شد. در اولین روز، خبر از شهادت صد هاتن از غیر نظامیان شامل زنان، پیرمردان و کودکان رسید.

گروه های شیعهٔ مستقر در ایران تعداد کرسی های در نظر گرفته شده به آنان را کافی ندانسته و چهار گروه از آنان این شورا را تحریم نمودند. در پشاور رهبران جهادی برای رفع بن بست میان احزاب شیعه و سنی به شور و مشوره پرداختند. مولوی خالص می گفت که در طول دوران جهاد در مناطق مرکزی افغانستان یک سرباز روسی هم کشته و حتی زخمی نشد، یک سرباز روسی اسیر هم در دست آنان نیست، آنها بیش از نقش خود در جهاد خواهان امتیاز اند در مقابل استاد ربانی و دیگران استدلال می کردند که مطرح کردن چنین مسائل اختلاف میان مجاهدین را نشان می دهد و به نفع روس ها و دولت کابل است باید به هر شکل ممکن آن گروه ها نیز در شورا شرکت نمایند. برای رفع این اختلاف حکمتیار در رأس یک هیأت از طرف اتحاد پشاور عازم تهران شد تا بن بست سیاسی میان ائتلاف پشاور و تهران را حل کند. ائتلاف اهل تشیع در تهران شصت کرسی را که برای آنان در شورای آینده در نظر گرفته شده کم دانسته و چهار گروه از آنان شورا را تحریم کردند.

جنرال بوریس گراموف به عنوان آخرین سرباز ارتش سرخ با گام های نااستوار از این پل عبور می کرد.

حکمتیار در تهران با وزیر خارجهٔ ایران ملاقات نمود. ولایتی از هردو اتحاد مجاهدین در ایران و پاکستان خواست تا با هم متحد شده و دولت ائتلافی تشکیل دهند. در این مذاکرات در ابتدا، ائتلاف هشتگانه خواهان ۳۰ درصد سهم در شورا و دولت ائتلافی شد اما بعداً از این تصمیم خود صرف نظر نموده و خواهان ۵۰ درصد سهم در دولت و شورا شدند. سفر حکمتیار بی نتیجه بود.

همزمان با این تحولات دیمتری یازوف وزیر دفاع شوروی هم به کابل رفت. استاد ربانی در مصاحبه با بخش فارسی بی بی سی فاش ساخت که یازوف برای دیدار با احمدشاه مسعود به افغانستان رفته است. و همچنان گفت که در مقابل قوای روسی که از افغانستان خارج می شود باید آتش بس مراعات شود. حکمتیار در عکس العمل با این سخنان گفت که نیروهای تحت فرمان وی روس ها را حتی در حال فرار از افغانستان نیز با گلوله بدرقه خواهند کرد. این خود نشان از اختلاف عمیق میان دو تنظیم جهادی داشت.

پنجشنبه دوم فبروری ملاقاتی میان رهبران مجاهدین و علی اکبر ولایتی وزیر خارجهٔ ایران در پاکستان صورت گرفت. ولایتی بعداً با مجددی عازم تهران شد. فردای آن روز وزیر خارجهٔ شوروی به پاکستان آمد. قرار شد که وی با رهبران مجاهدین مذاکراتی داشته باشد. رهبران مجاهدین به این امید بودند که شواردنادزی طرحی جدید با خود آورده است وبه همین امید به اسلام آباد رفتند اما به زودی مشخص شد که وی همان طرح های کهنه را عنوان می کند و روی حضور ظاهرشاه و نمایندگان دولت کابل در ترکیب آیندهٔ دولت پافشاری دارد. رهبران مجاهدین باوی دیدار نکردند. وی در هنگام ترک پاکستان به مقصد کشورش به خبرنگاران گفت: دولتی که در آن نمایندگان دولت کابل و ظاهرشاه حضور نداشته باشند، فاقد پایه های وسیع است.

کشمکش و اختلاف برسر تعداد کرسی ها به احزاب شیعه همچنان ادامه یافت. مجددی در تهران به این توافق رسید که به گروه های شیعه یکصد کرسی در شورا و هفت کرسی در کابینه داده شود. سایر رهبران با این کار مخالفت کردند و مجددی تهدید کرد که در صورت عدم توافق به این خواست وی، او شورای مشورتی را تحریم خواهد کرد.

سرانجام به تاریخ پانزدهم فبروری، شورای مشورتی مجاهدین بدون حضور مجددی و گروه های شیعهٔ مستقر در ایران تشکیل جلسه داد و انجینیر احمدشاه احمدزی را به عنوان رئیس حکومت عبوری مجاهدین تعیین نمود.

همزمان با این جلسه صد ها کیلو متر دورتر بر فراز پلی که افغانستان را با جمهوری ازبکستان اتحاد شوروی وصل می کرد مراسمی برپا بود. جنرال بوریس گراموف به عنوان آخرین سرباز ارتش سرخ با گام های نااستوار از این پل عبور می کرد. نزدیک به وسط این پل یعنی نقطهٔ ناصف که مرز میان دو کشوراست، او رو به سوی افغانستان برگردانید و سخنانی با آهستگی برزبان آورد. چند قدم آن سو تر زنش با دستهٔ گل در انتظار او بود. این گام ها نشان از آغاز یک پایان داشت. فرجام امپراتوری اتحاد شوروی...

گزارش کمیسیون...

۳- آیا شکایات در مورد نقض حقوق بشر فقط از مجرای کمیسیون یاد شده قابل بررسی و اجراآت می باشد وبس؟ و...

مردم سؤال می کنند که چرا از دو دهه و یا دو نیم دهه در مورد نقض حقوق بشر گفته می شود و به این مدت زمانی، محدود می گردد؟

آیا در دوران رژیم سلطنتی، حقوق بشری افراد را حکومات و یا افراد، نقض نکرده اند؟

آیا در زمان دیکتاتوری داوود خان حقوق بشر پامال نگردیده است؟!

هرگاه خواستار اجرای عدالت و محاکمهٔ ناقضان حقوق بشر باشیم پس لازم است تا آن را به یک دورهٔ خاص وگروه های مشخص محدود نساخته و آن را به گذشته ها نیز تعمیم ببخشیم؛ زیرا برخی از ناقضان حقوق بشر در گذشته، تاهنوز در قید حیات اند و یا برای ثبت در تاریخ کشور، بایست از ستم ها، اختناق ها و سرکوب های گذشته نیز گزارش هایی تهیه گردد.

اصل عدالت وانصاف حکم می کند تا ترکیب کنونی کمیسیون مورد تجدید نظر قرار گیرد و افراد صالح، خوش نام و واقعاً بی طرف توظیف گردند تا امر خطیر نقض حقوق بشر در گذشته و حال را به صورت کاملاً آزاد، غیر جانبدارانه و شفاف و در همآهنگی با قوهٔ قضائیه و ارگان های امنیتی و اجرایی بررسی نمایند و در نتیجه، اجراآت بعدی برای تطبیق درست قانون و اجرای عدالت صورت گیرد.

ولی آنچه که بسیار دشوار به نظر می آید، نقش کشورهای خارجی در زمینهٔ نقض حقوق بشر در افغانستان است و در گزارش مذکور از چهار کشور پاکستان، روسیه، امریکا و ایران نام برده شده است و معلوم نیست که در این مورد چگونه اقداماتی می تواند صورت بگیرد؟

اشغال افغانستان توسط شوروی
و تأثیر گذاری بر شعر فارسی دری این سرزمین

بخش ششم

محمد اسحاق فایز

هرچند شعر استاد باختری در کلیت می تواند نمونه های درخشانی از مقاومت و فریاد عصیانی شاعری باشد، حیف باشد که در این جا از شعر "و من گریسته بودم" استاد یادی نکنم. دریغ که این نمونه را به صورت مطبوع و کامل ندارم ولی چکیده هایی از این شعر بلند را در حافظه دارم و آن را در این جا می آورم. شعر "ومن گر یسته بودم":

شب از دیار شبیخونیان گذر می کرد
کنار ایوان فانوس کوچکی می سوخت
و در هجوم هجایای تازیانهٔ باد
زنی به گریه سخن می گفت
از آن برندهٔ بی بازگشت جنگل رکبار
پرندیی که از آن اوج اوج جوهر شب
غریو بر می داشت
که ایا چکاوک ها
از آشیانهٔ خونین خود فرود آیید
که زهر حادثه را در گلوی شب ریزیم
چو دانه دانهٔ باران به روی شب ریزیم
به آستان شفق آبروی شب ریزیم
الی آخر

این شعر هر چند به مناسبتی خاص سروده شده است، ولی نهایت ظرافت زیبایی وجلوه های ارزشی وشعریت در آن پیداست. "شب" و "شبیخونیان" استعاره های زیبایی اند "پرنده" که کوچ بی بازگشتی را آغازیده است، سمبول و نمادی است که برای هر "پرنده" شهیدی می تواند جا عوض کند.

یکی دیگر از چهره هایی که درمیان شاعران مقاومت در داخل رژیم، شعرش نمادی از عصیان و پرخاش است، محمد افسر رهبین می باشد. رهبین به خاطر مقاومت و مخالفتش با رژیم باری به "مهمان خانه های صدارت" برده شد و از آنجا در "پلچرخی" اسیر و زندانی گردید. بسیاری از فرهنگیان آن زمان که هرچند با رژیم میانهٔ خوبی نداشتند، با او نیز میانهٔ خوبی نداشتند و این عجیب است. از او چند مجموعه تا حال اقبال چاپ یافته است که در این مقال از مجموعهٔ "درخط فاصله ها" چند نمونه می آورم.

در آغاز غزل "زبان داغ" رهبین را می آورم. در این غزل، مناعت و بزرگ منشی شاعر همراه با نوعی خشم و عصیان شاعرانه بازتاب خوبی دارد:

نماد زنده، ز بیداد این زمانه منم
کسیکه از رگ جان خورده تازیانه منم
به سینه حلقهٔ فریاد بسته ام چون نی
اسیر خستهٔ دربند وبی بهانه منم
به گوشه گوشه کسانی اسیر مرگ شدند
همانکه گشته به تیر نفس نشانه منم
سرود شبزده گان گنج قصرهای منست
زبان داغ سخن های شاعرانه منم
کبوتران زپی دانه رفته اند به دام
کبوتری که زند پشت پابه دانه منم

جای تردید نیست که زبان شعر، ویژگی هایی دارد. رهبین در شعر کوتاه "هیهات" با این زبان از برهنگی شاخ ها و لخت شدن شان خبر می دهد:

پاییز
این ناسپاس فصل
خاموش باغ را
در چنگ باد داد
هیهات...
شاخه ها همه گی لخت می شوند

زیبا ترین ویژگی برای یک شعر آن است که در هر زمانی بتوان آن را با زمانه همگام و همنوا دانست و آن را توجیه کرد. شاید یکی از رمز و رازهای جاودانگی حافظ و شماری از غزلیاتش در همین توجیه پذیری آنها نیز باشد. من در اینجا برای "پاییز"، "ناموس"، "ناموس باغ"، "باد" و "باغ" تعبیرهای خاصی را توجیه می کنم ومی دانم که لخت شدن شاخه ها چه معنی دارد و "شاخه ها" نیز چه هستند؟

"ترانهٔ شامگاهی" گزینهٔ دیگری از شعرهای "رهبین" است. "آویزهٔ دروازهٔ شب" نمونهٔ نخست از این مجموعه است. رهبین در این شعر بلند از اژدهایی سخن می راند که زیباست و دندان های سپید دارد. این "اژدها" برای بلعیدن شب دهن باز کرده است:

اژدهایی که شب را می بلعد
زیباست
ومن،
دندانهای سپیدش را
شمار می کنم
در هنجره اش
فریادیست،
که گورستان را
می ستاید.
اژدهایی که شب را می بلعد
زیباست
ومن نفس های تشنه اش را
که درد آلود است
گوش وامانده ام.
بی آنکه
هول در من ریشه بیارد
بی آنکه
خون در من لخته شود
و بی آنکه بمیرم
...
...
شب به کام اژدهای زیبا
فرو می شود
این سیه باره
جنازه ای ندارد،
که فاتحه یی برایش بخوانند
نه، نه،
شب به این نمی ارزد
شب به چه می ارزد؟
الی آخر

"چراغی از بهشت" یک نمونهٔ دیگری است در این مجموعه، که تاریخ سرایش آن به سال ۱۳۶۷ بر می گردد:

شب
فانوس شکسته اش را
به صدا ارد
تو باز می رسی
چراغی از بهشت به دست
خنجر آبدارت را،
در چشم کور شب
با موهبتی فرو میری
که هذیانش را
سنگ و سایه و مهتاب
همه می شنوند
آنگاه،
شبینه ها به ماتم می نشینند
با چهره های پرچین و چروک
که ادم را

بر سوگ شان
خنده می اید

با آوردن غزل دیگری از رهبین، بحث نمونه گیری از شعر او را پایان می بخشیم در این نمونه، همه جلوه های خوب یک شعر را می توان نشانی کرد. نشانه هایی از خشم و عصیان، سوگ و اندوه و درویدن یک نسل، را در باغ، در دشت، و در...

گل را سپید و سرخ کشیدند، برگ برگ
پروانه های زرد پریدند، برگ برگ
گلدسته ها چه زار فتادند، روی خاک
گلبرگها چه خوار خمیدند، برگ برگ
پرداز را دریچه نبود وهزارها
بیجا گلوی صبر دریدند، برگ برگ
پاییزهم نگفت چه بود آن بلای سرخ!!
چیزی که پای سرو چکیدند برگ برگ
دزدان صبح از پس دیوار نیمه شب
سنگی زدند و آیینه چیدند برگ برگ
زردشت لاله ریخت به خاکستر بهار
آتش زدند و گل درویدند برگ برگ

ادامه دارد

از دیوان ناصر خسرو

حاجیان باز آمده

حاجیان آمدند با تعظیم
شاکر از رحمت خدای رحیم
جسته از محنت و بلای حجاز
رسته از دوزخ و عذاب الیم
آمده سوی مکه از عرفات
زده لبیک عمره از تنعیم
یافته حج و کرده عمره تمام
باز گشته به سوی خانه سلیم
من شدم ساعتی به استقبال
پای کردم برون زحد گلیم
مر مرا در میان قافله بود
دوستی مخلص و عزیز و کریم
گفتم او را بگو که چون رستی
زین سفر کردن به رنج و به بیم؟
تا زتو باز مانده ام جاوید
فکرتم را ندامت است ندیم
شاد گشتم بدانکه کردی حج
چون تو کس نیست اندرین اقلیم
بازگو تا چگونه داشته ای
حرمت آن بزرگوار حریم؟
چون همی خواستی گرفت احرام
چه نیت کردی اندر آن تحریم؟
جمله برخود حرام کرده بدی
هرچه مادون کردگار قدیم؟
گفت نی، گفتمش زدی لبیک
از سر علم و از سر تعظیم؟
می شنیدی ندای حق و جواب
باز دادی چنانکه داد کلیم؟
گفت نی، گفتمش چو در عرفات
ایستادی و یافتی تقدیم
عارف حق شدی و منکر خویش
به تو از معرفت رسید نسیم؟
گفت نی، گفتمش چو می کشتی
گوسفند از پی یسیر و یتیم
قرب خود دیدی اول و کردی
قتل و قربان نفس شوم لئیم؟
گفت نی گفتمش چو می رفتی
در حرم همچو اهل کهف و رقیم
ایمن از شر نفس خود بودی
وز غم فرقت و عذاب جحیم
گفت نی، گفتمش چو سنگ جمار
همی انداختی به دیو رجیم
از خود انداختی برون یکسر
همه عادات و فعلهای ذمیم؟
گفت نی، گفتمش تو گشتی تو
مطلع برمقام ابراهیم
کردی از صدق و اعتقاد و یقین
خویشی خویش را به حق تسلیم؟
گفت نی، گفتمش به وقت طواف
که دویدی به هروله چوظلیم
از طواف همه ملائکتان
یاد کردی به گرد عرش عظیم؟
گفت نی، گفتمش تو کردی سعی
از صفا سوی مروه بر تقسیم
دیدی اندر صفای خود کونین
شد دلت فارغ از جحیم و نعیم؟
گفت نی، گفتمش تو گشتی باز
مانده از هجر کعبه بر دل ریم
کردی آنجا به گور مرخودرا
همچنانی کنون که گشته رمیم
گفت از این باب هرچه گفتی تو
من ندانسته ام صحیح و سقیم
گفتم تی دوست پس نکردی حج
نشدی در مقام محو مقیم
رفته ای مکه دیده آمده باز
محنت بادیه خریده به سیم
گر تو خواهی که حج کنی پس از این
این چنین کن که کردمت تعلیم

محبس استعداد

سید اسماعیل بلخی

بر در میکده منقوش، چنین ارشاد است:
عاشقان، زندهٔ جاوید وجهان برباد است
صید آزادی مطلق نشود جز به کسی
که به جز عشق، زهرنیک و بدی آزاد است
خود فروشی به خرابات، گناهی است عظیم
این حدیثی است معنون که زهر استاد است
خوب معلوم شد از خواندن و از راندن دوست
عشقبازی غرض و حکمت از این ایجاد است
جستم از یار: بگو وعدهٔ دیدار، بگفت:
نفس از خود گذری وصل مرا میعاد است
به زبان یار، به دل صحبت اغیار، خطاست
اندر این کیش، دو رویی اثر الحاد است
به جبین داغ نهد زاهد و ما سوخته دل
حکم با یار که خود قاضی این اسناد است
شور شیرین، سبب این همه غوغاست، بلی
نتوان گفت که هر کوهکنی فرهاد است
این جوان! مرکز شیاد بود کوچهٔ عمر
بر سر راه تو صدها گذر صیاد است
ای کبوتر! خطر از شیخ، زیاد است تورا
گره وحلقهٔ این دام، همه اوراد است
عجب از گردش پرکاری این قوم مدار
قطب این دایره هم پیرو استبداد است
سهم ما هیچ شد از قرن مشعشع، "بلخی"!
گوییا کشور ما محبس استعداد است

آنگاه که قرآن را شنیدم در قلبم کلیسا را ترک گفتم

منبع: مجلهٔ الکوثر — برگرداننده: هاشمی

آنچه را در این سطور می خوانید داستان ایمان آوردن یک مرد استرالیایی است که سال ها به حیث مبلغ در دین مسیحیت کار می کرده است.

سال هایی دراز، در تنهایی وسکوت زندگی ام را به سر کردم، شخصی منزوی با دنیایی از ترس و اضطراب. همواره ابری از شک و تردید بر خاطرات خوش کودکی و لحظات شادمانی و سرورم سایه افگنده بود. پیوسته در حال نزدیک شدن به حقیقت و یا دور شدن از آن بودم. بدون این که بتوانم جایگاه اصلی خود را بیابم. این یک حقیقت خدایی بود که واقعیت آن را در درون خود عمیقاً احساس می کردم، چنان که خداوند در آیهٔ ۷۶ سورهٔ مریم می فرماید: "و کسانی که در راه هدایت گام برداشته اند، خداوند بر هدایت ایشان می افزاید." در خلوتم از کسی که مرا آفریده است درخواست کمک و هدایت کردم. شکی نداشتم که آفریدگار وحامیی برای تمام موجودات وجود دارد، و این موضوع آن قدر برایم روشن بود که مثل طلوع وغروب خورشید.

نه! آفرینش این جهان نمی توانست تصادفی باشد. می دانستم که این جهان طراح دارد. من از او آرامش قلبی طلبیدم. از او خواستم که راه زندگی ام را به من بنمایاند. چون که می دانستم راه را گم کرده ام.

درسن شانزده سالگی من به همان روشی به عبادت می پرداختم که به من یاد داده شده بود. گرچه می دانستم او قوی تر و بی نیاز تر از آن است که با وسیله قرار دادن نام مسیح با او به نیایش بپردازم. بنا بر این برخود قبولاندم تا زنجیر های مسیحیت و وابستگی به مسیح به عنوان یک واسطه بین خود وخدایم را دور بیندازم.

احساس آرامش و اطمینان درونی به من دست داد. این احساس بود که مرا هدایت کرد و هنوز هم هدایتم می کند. روحم را مورد خطاب قرار می دهد که راه هدایت همین است ادامه اش بده.

همیشه احساس تقرب به خدا می کردم و نیایش جزء برنامهٔ زندگیم بود. در ذهنم سوء ظن هایی در مورد چیزهایی که دربارهٔ عیسی علیه السلام آموخته بودم، وجود داشت؛ چیزهایی که برایم هیچ مفهومی نداشت. این موضوع برایم نا مأنوس بود که برای جبران گناهی که همهٔ ما آدمی ها به آن به دنیا می آییم از ما قربانی بطلبد وبعد عیسی را قربانی کند تا خدا گناه ما را ببخشد.

به حیث یک مسیحی آموخته بودم که عیسی پسر خداست. تعجب می کردم که چرا خدا، خدایی که آن قدر عظمت داشت چیزی را از ما بخواهد وبعداً برای انجام وعده اش پسرش را تنها بگذارد که قربانی وکفارهٔ گناهان ما فرزندان آدم بشود؟! اعتقاد داشتم که خداوند بالاتر از آن است که به چیزی ضرورت داشته باشد. احساس می کردم می توانم با او همان گونه هستم ارتباط بگیرم، بدون هیچ وسیله و واسطه یی.

گرچه از کودکی به چیزهایی که آموخته بودم دلبستگی داشتم، اما جستجو وتفکر را ادامه دادم. بعضی می گفتند که تمام مذاهب، ما را به خدا می رسانند. اما من معتقد بودم که بدون شک یک خدا وجود دارد، یک برنامهٔ زندگی، یک عقیده و یک راه وجود دارد که به خدا منتهی می شود. امکان نداشت طرق مختلفی که با هم آن قدر تضاد دارند همه به خدا بینجامند.

در سال ۱۹۸۳ م، به محلی دیگر برای زندگی نقل مکان کردم، و آنجا همسایه

درسن شانزده سالگی من به همان روشی به عبادت می پرداختم که به من یاد داده شده بود. گرچه می دانستم او قوی تر و بی نیاز تر از آن است که با وسیله قرار دادن نام مسیح با او به نیایش بپردازم. بنا بر این برخود قبولاندم تا زنجیر های مسیحیت و وابستگی به مسیح به عنوان یک واسطه بین خود وخدایم را دور بیندازم.

هایی را که مسلمان بودند ملاقات کردم. در نظرم بود که باید یک کار تبلیغی انجام بدهم. من همیشه دوست داشتم که به مردم دربارهٔ آفریدگار، نیکوکاری وعقیده تذکر بدهم.

معلومات کمی که دربارهٔ مسلمانان واسلام داشتم مربوط به آموزه های مسیحی ویهودیی بود که با آن پرورش یافته بودم. فکر می کردم مسلمانان به مسیح عقیده ندارند و آنها کافران جاهلی هستند که مستحق اند تا یهودیان سرزمین شان را غصب نمایند. چقدر نا آگاه بودم!

آنها با حوصله مندی به حرفهایم گوش دادند وبعد من هم به حرف های شان گوش فرا دادم. آنها کوشش نمی کردند تا موضوعات را پیچیده توضیح دهند. آنها از قرآن برایم خواندند. آیاتی که برایم تلاوت کردند از سورهٔ مریم بود، در سکوت به آن گوش دادم، آوایی بود متین و دل نشین؛ چیزی که قابلیت داشت تا دل ها را به هم پیوند دهد، موانعی را که سر راه مان ایجاد کرده ایم بردارد و دوباره ما را به سوی حقیقت رهنمایی کند.

از شنیدن این آیات گریستم. نمی توانستم توضیحی برای گریه هایم بیابم، تنها جمله یی که توانستم به زبان بیاورم این بود که چقدر زیباست! تلاوت زیبای این آیات و ترجمهٔ سادهٔ انگلیسی آن مرا شیفتهٔ خود کرد.

داستان پیامبر خدا حضرت عیسی علیه السلام وتولد اعجاز آمیز او از مریم مرا شگفت زده کرد.

خدا پیامبرانی را از آدم، ابراهیم و موسی وعیسی وبالآخره حضرت محمد صلی الله علیه وسلم برای هدایت ما فرستاده بود. آنها همه با پیام خداوند آمده بودند تا انسان ها را از عبادت و بندگی خدایان دروغین برهانند و به عبادت ذات یگانه دعوت کنند وهمه تسلیم ارادهٔ او شوند، این است تعریف اسلام ومسلمان کسی است که به خواسته و به ارادهٔ خدا سر فرود می آورد و از عبادت دیگران ابا می ورزد و در صدد اصلاح و برپایی عدالت و تقوا در روی زمین است.

داستان عیسی و مادرش واین حقیقت که او موجودی بود استثنایی وخدا برایش گفت: باش، پس شد، یک تولد اعجاز آمیز بدون هیچ وسیله و واسطه یی.

یک خدا، یک عقیده، یک شیوهٔ زندگی و یک مسیر. من به مقصدم رسیده بودم. دانستم که نماز ارتباطی است مستقیم بین بنده وخدا و این که هر شخص مسؤول اعمالی است که انجام می دهد، هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد.

به همین گونه عیسی به خاطر این که فقط پیامبر خدا و به خاطر درستکاری و نزدیکی او به خدا تکریم می شود ومسلمانان او را دوست می دارند، دانستم که مسلمانان بر این باورند که عیسی دوباره بر زمین باز خواهد گشت. تمام انسان ها در روز قیامت در پیشگاه خدا مورد محاسبه قرار خواهند گرفت، این مربوط به ماست که آیا پروردگارمان را اطاعت کرده ایم یا نه؟

من یقین کردم، به حقیقتی که سال ها در جستجویش بودم اکنون دست یافته ام. من ۲۲ سال داشتم، از ۱۷ سالگی یک مبلغ مسیحی بودم، از نظر این که قرآن را شنیدم در قلبم کلیسا را ترک گفتم. اما تصمیم گرفتم که یک شنبه بعدی، پس از آن که زندگی ام متحول شده بود یک بار دیگر به کلیسا بروم و علناً اعلان کنم که هدایت شدم و برای شان بگویم که مرا دیگر در آنجا نخواهند دید و برای آنها نیز آرزوی هدایت کنم. من از اعماق قلبم می دانستم، به حقیقتی دست یافته ام که سالها در جستجویش بودم.

د درمل شیندلو دویمه فاجعه

پامیر

ویل کیږي چې د سلواغي د میاشتي په 14 نیټه دیوي الوتکي په واسطه دهلمند ولایت دنوزاد ولسوالي د کوکنارو په کروندو باندي داسي درمل شیندل شوي چې له امله ئي دهغي ولسوالي د ابدان دکلي یو شمیر اوسیدونکي د پوستکي په خارښت او یو شمیر نورو تکلیفونو باندي اخته کړي دي.

دا دویم ځل دي چې د شپې په تیاره کې د کوم نامعلوم څواک له خوا په غلچکي توګه زموږ د هیواد والو د کوکنارو په کروندو باندي زهري مواد شیندل کیږي، لومړي ځل د ننګرهار ولایت د مومندرې، شینوارو او خوګیانو په ولسوالیو کې دغه راز مواد وشیندل شول چې له امله ئي نه یواځي د کوکنارو بوټي زیانمن شول بلکي دهغو سیمو یو شمیر خاروي ئي هم ووژل او خلکوته ئي د پوستکي د خارښت، تنفس او اوبلنو دانو تکلیفونه پیدا کړل.

دلته پوښتنه داده چې لا په لومړي ځل زموږ د کروندګرو د غبرګون ترڅنګ دهیواد ولسمشر حامد کرزي ددغه کار په وړاندي چې یو بشري ضد عمل او دملي او نړیوالو قوانینو ضد کړنه ده خپل مخالفت څرګند کړ او دموضوع دکلکي څیړني لپاره ئي اړوندو چارواکیوته سپارښتنه وکړه خو دبده مرغه چې لا پخواني فاجعه هماغسي په تیاره کې پاتي شوه او چاائي مسئولیت پرغاړه وانه خیست چې دادي اوس دهلمند ولایت د نوزاد په ولسوالي کې دویمه فاجعه تکرار شوه او خلکوته ئي مالي او روغتیائي تاوانونه واړول. دا په داسي حال کې ده چې دهلمند په ولایت کې دسپین ږیرو، روحانیونو او دولتي چارواکیو په مرسته او همکاري دهغه ځاي په سلو کې ۹۰٪ کوکنار له مینځه وړل شوي او خلکو هم په دې برخه کې خپله همکاري نه ده سپمولي. موږ د خپلو کروندګرو په وړاندي د زور زیاتي ددغه راز بشري ضد کړنو مخالف یوو او هیله مو داده چې په هیواد کې اوس د مخدره موادو د مبارزي لپاره یو نوي وزارت جوړ شوي او دغه وزارت باید د کوکنارو دله مینځه وړلو لپاره د اوږدي او لنډي مودي پروګرامونه ولري، ددغي مبارزي د ګټورتیا لپاره یو سیستم جوړ شي، پلان او برنامه جوړه شي، داسي پروګرامونه

۵مخ

د افغان ماشومانو د ګوزڼ د ناروغي د پای ته رسیدو کال

په ژنیو کې د نړې روغتیالي سازمان یا دبلیو اچ. او په خپله کلني غونډه کې ۲۰۰۵ میلادي کال په افغانستان، پاکستان، هندوستان کې د پولیو یا د ماشومانود فلج د ناروغۍ د پاي ته رسیدو کال بللي دي.

د نړې روغتیالي سازمان ویلي دي چې په ټولو هیوادو کې ئي په ۲۰۰۴ میلادي کال کې په ملیونو ماشومان واکسین کړي ددغه سازمان په حواله تر راتلونکو لسو میاشتو پوري به دغه ناروغي بیخي له نوموړو هیوادو څخه ورکه شي.

د نوموړي سازمان په رپوټ کې ویل شوي چې په پولیو سر بیره په افغانستان کې میندي هم په ډیر بد حالت کې دي، په دې ارتباط د افغانستان په بدخشان ولایت کې ئي یوه د زده کړي دوره پیل کړې او په دغو کورسونو کې ئي ۸۰ تنه ښځي او نجوني شاملي کړي.

د یونما یو خبر ځاي بدخشان هغه ځاي ښودلي چې د زیږیدني په وخت په کې زیاتي میندي او ماشومان خپل ژوند له لاسه ورکوي چې له سلو زرو میندو څخه ۶۷۰۰ تنه مري چې دا اندازه په کندهار کي ۲۲۰۰ تنه په لغمان کې ۸۰۰ تنه او په کابل کې ۴۰۰ تنو ته رسیږي.

مشخصات بارز و برجستهٔ انقلاب ...

اسلامی صورت پذیرفته بود.

در کنار همرنگی هایی که می توان میان انقلاب اسلامی ایران و جهاد مردم افغانستان مشاهده نمود، هر دو قیام و تحول بزرگ تاریخی، دارای ویژگی های متفاوت از یکدیگر نیز بودند که در اینجا به مشخصات بارز و برجستهٔ انقلاب اسلامی ایران اشاره می گردد:

۱- یکی از شعارهای انقلاب اسلامی ایران وعمده ترین آن "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" بود و این شعاری نبود که مانند شعارهای معمول در انقلابات دنیا فقط در قالب کلمات محدود و محصور باقی بماند و جنبهٔ عملی وتطبیقی نداشته باشد و یا از واقعیت فرسنگ ها فاصله داشته باشد؛ بلکه یک شعار واقعی وعملی بود.

در اکثر انقلابات، کودتاها وتحولات سیاسی کشورها، مداخله و یا حمایت خارجی به وضوح دیده شده است که در آن کشورهای همسایه، منطقه و یا قدرت های بین المللی به شکلی از اشکال و با تفاوت در میزان مداخله یا حمایت نقش داشته اند. به خصوص در دوران جنگ سرد که دو ابر قدرت دنیا (شوروی و آمریکا) در تغییر رژیم برخی از کشورهای آسیایی و افریقایی و آمریکای لاتین به سود خویش، برنامه هایی داشتند و به موفقیت هایی نیز نایل گردیده بودند.

در آن روزگار ابر قدرت شوروی واندیشه های مارکسیسم ـ لنینیسم به صورت روز افزون در حال پیشروی بود و بر سرزمین ها و بر قلمرو اذهان و افکار برخی از مردمان کشورها و به خصوص نسل جوان، تسلط و حاکمیت می یافت و رژیم های طرفدار غرب یکی پی دیگر سرنگون می گردید و طرفداران شرق جای آن را می گرفت ولی فقط سقوط رژیم مارکسیستی آلنده درچلی و روگردانی انورالسادات از شوروی، در آن تاریخ یک استثنا بود.

به همین صورت انقلاب اسلامی ایران و استقلالیت آن، یک استثنای دیگر بود که با وجود قیام علیه رژیم دست نشاندهٔ غرب، نه تنها به شرق وابستگی نداشت، بلکه علیه آن شعار می داد!

گروه های مورد حمایت امپریالیسم شوروی و به خصوص حزب توده هرچند کوشیدند تا با حیله ها و ترفندهای گوناگون خود را به انقلاب منسوب، و به رهبری آن نزدیک سازند ولی همهٔ این تلاش ها بی ثمر ماند و مردم و رهبری انقلاب هرگز به آنان توجهی نکردند وبالآخره حزب مذکور به توطئه متوسل شد وغیر

> **گروه های مورد حمایت امپریالیسم شوروی و به خصوص حزب توده هرچند کوشیدند تا با حیله ها و ترفندهای گوناگون خود را به انقلاب منسوب، و به رهبری آن نزدیک سازند ولی همهٔ این تلاش ها بی ثمر ماند**

قانونی اعلام گردید.

۲- انقلاب اسلامی ایران دارای پایگاه وسیع مردمی بود و کاملاً با تحول سیاسی و یا تغییر رژیم در سایر کشورها تفاوت داشت.

در آن زمان تغییر رژیم ها فقط با کودتاهای عسکری صورت می گرفت که معمولاً گروهی از افسران و سربازان و در تاریکی شب ها قیام نموده ، به سرنگونی دولت ها اقدام می نمودند و این یک استثنای دیگر انقلاب اسلامی است

۳- انقلاب اسلامی ایران دارای خاستگاه دینی وعقیدتی بود و به پیروزی رسیدن این انقلاب نیز یک استثنای دیگر در این زمینه به شمار می رود، زیرا جنبش های اسلامی در اکثر کشورهای مسلمان و غیر مسلمان وجود داشتند و برای تحقق آرمان های خویش مبارزه می نمودند ولی هرگز هیچ کدام آنان به پیروزی نرسیدند و فقط این انقلاب ایران بود که با شعارهای دینی و رهبری علمای مذهبی به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی را حاکم ساخت.

۴- انقلاب اسلامی ایران از وحدت رهبری برخوردار بود و در جریان انقلاب همهٔ مردم به شمول گروه های مختلف سیاسی، حمایت و تبعیت شان را از یک رهبر اعلام می نمودند وانقلاب از کشمکش ها و درگیری های گروهی و حزبی ـ چنانچه معمول است ـ در امان بود.

۵- انقلاب ایران یک انقلاب بزرگ و سرتاسری بود و فقط در قیام وتظاهرات مردمی در مرکز خلاصه نمی گردید. اکثر تحولات سیاسی و تغییر رژیم ها در اثر قیام نظامیان و یا مردم و یا هر دو فقط در مراکز کشورها صورت می گیرد و اطراف و ولایات کشور در آن نقش مهمی نمی داشته باشند ولی در ایران به صورت همزمان در تمام شهرها تظاهرات و راه پیمایی های مردمی صورت می گرفت وشعار و خواست همهٔ قیام کنندگان یکی بود:

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

۶- در حالی که انقلابگران وتظاهر کنندگان خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی بودند ولی بنا بر دستور رهبری انقلاب از هر نوع درگیری با قوای نظامی و پلیس اجتناب نمودند و با آن که قوای نظامی رژیم، مردم غیر مسلح و بی دفاع را مورد حمله قرار می داد و هزاران تن کشته می شدند، ولی تظاهر کنندگان شعار می دادند:

برادر ارتشی، چرا مرا می کشی؟

وبه قطعات اردو، دسته های گل تقدیم می کردند و بر دیوارها شعار نوشته بودند:

از ما به ارتش ایران بگو که آیا جواب گل، گلوله بود؟!

این موضع انقلابیون و رهبری انقلاب باعث گردید که اردو بالآخره از ایستادگی در برابر ملت وحمایت از رژیم، دست بردارد وبا پیوستن قوای هوایی به انقلابیون، سیاست و موضع یاد شده نتایج مثبت خود را نشان داد و اردو در کنار مردم قرار گرفت و انقلاب به پیروزی رسید.

۷- با پیروزی انقلاب، سرودهای اسلامی و انقلابی و نعره های روح پرور الله اکبر از رادیو های ایران بلند گردید و باعث بلند رفتن روحیهٔ جهادی وقوت قلب سایر مسلمانان در اطراف و اکناف دنیا و به خصوص مجاهدان افغانستان گردید.

گرچه جهاد در افغانستان قبل از آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به راه افتاده بود ولی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بنا بر گفتهٔ پروفسور ربانی که در آن زمان طی مصاحبه با مطبوعات بیان داشته بودند اعتماد به نفس مجاهدان

> **انقلاب اسلامی ایران دارای پایگاه وسیع مردمی بود و کاملاً با تحول سیاسی و با تغییر رژیم در سایر کشورها تفاوت داشت.**

افغانستان را بیشتر ساخت. در آن روزگار، سرودهای اسلامی و انقلابی فقط از بلند گوهای احزاب اسلامی در تظاهرات واجتماعات شنیده می شد و این نخستین باری بود که به سطح وسیع و گسترده از امواج رادیوی یک کشور پخش می گردید و واقعاً که شور و لذت و احساس مسلمانان مجاهد از شنیدن این سرودها در آن روزها کاملاً فراموش ناشدنی و به یاد ماندنی است.

۸- تطبیق و رعایت حجاب شرعی درکشوری مانند ایران و با پیشینه های سیاست ضد اسلامی رژیم پهلوی از یکسو و سهم گیری وشرکت وسیع زنان در عرصه های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی با حفظ حجاب شرعی از سوی دیگر یکی از شهکارهای دوران پس از انقلاب است.

۹- برگزاری رفرندم عمومی برای گزینش نوع نظام سیاسی و رأی بیشتر از ۹۹ در صد مردم به نظام جمهوری اسلامی در نخستین ماه های پس از انقلاب وهمچنین تدوین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس وتهیه و تصویب قانون اساسی در زود ترین فرصت های ممکن از مشخصات برجستهٔ انقلاب اسلامی ایران محسوب می گردد؛ زیرا در سایر کشورها زمامداران جدید تا سال ها نتوانسته اند به آن توفیق یابند و یا اصلاً نخواسته اند و بدون قانون اساسی و انتخابات به حاکمیت خویش ادامه داده اند!

۱۰- پیروزی انقلاب اسلامی برای استکبار جهانی وقدرت های کوچک و بزرگ ضد اسلامی و ضد

مردمی نه تنها قابل قبول و خوش آیند نبود بلکه برای اسقاط و سرنگونی نظام نو یا برنامه های زیادی طرح و سرمایه های کلانی به مصرف رسانیده می شد و می شود، وبرای شکست انقلاب و سقوط نظام روز شماری می نمودند. این روز شماری ها به هفته ها و ماه ها و بالآخره به سال ها ودهه ها انجامید و امروز مردم ایران بیست و ششمین سالروز انقلاب اسلامی خویش را جشن می گیرند و به پیشواز بیست و هفتمین بهار پیروزی انقلاب می روند.

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دولت وملت کشور مسلمان، برادر، همکیش وهمزبان ما میمون ومبارک باد!

زموږ ټولنه اخلاقي مفاسد نشي زغملاي

ش ـ زیارمل

موږ د خپلو خاصو افغاني او اسلامي ارزښتونو له مخي په دي وياړو چي افغانيت او اسلاميت موږ ته په خپله ټولنه کي دهيڅ دول غير اخلاقي کړنو، بي بند و بار افعالو او داسي اعمالو اجازه نه راکوي چي هغه زموږ دلرغوني کلتور، آدابو او په خاص دول د اسلامي ارزښتونو خلاف وي او که کله هم د دغسي اخلاقي مفاسدو مرتکبين پيدا شوي نو هغه بيا زموږ د پاکو او په اسلاميت او افغانيت مينو خلکو له خوا رټل شوي او زموږ د مسلطو قوانينو او شريعت له خوا ني عاملينو ته جزاګاني ورکړي شوي دي. جواري، شراب خوري، د نامحرمو ښځو او هلکانو په وړاندي جنسي تيري، لوڅوالي او ځيني نور دغه راز ناوړه اعمال زموږ د ټولني دخلکو لپاره د زغم وړ نه دي او زموږ د سپيڅلو خلکو غوښتنه داده چي زموږ اسلامي جمهوري دولت بايد تل په ټولنه کي ددغه راز اخلاقي مفاسدو په وړاندي قانوني چلند وکړي. همدا زموږ د دينـدارو او پاکو خلکو غوښتنه وه چي څو ورځي مخکي د کورنيو چارو وزارت يو شمير هغه شخصي کورونه چي په نوي ښار او وزير اکبر خان مينه کي تري دميلمستون او رستورانت په توګه د اخلاقي فسادونو د ترويج په خاطر کار اخيستل کيده ترڅيړني لاندي ونيول او پايله ني دا شوه چي د سلواغي دمياشتي په 15 نيټه ني په نوموړو سيمو کي پنځه رستورانتونه د اخلاقي مفاسدو د تر سره کولو په تور وتړل. د کورنيو چارو وزارت مطبوعاتي دفتر څرګنده کړه چي د نوي ښار د خراسان په کوڅه کي د بيجينګ، د وزير اکبر خان ميني په دويم سړک کي ني د جت ګاردن، د کلا فتح الله په لومړي سړک کي ني د تيري ها او د نوي ښار د تيلو ټانک ته څيرمه ني د دوبي رستورانتونه وتړل او دا ثابته شوي ده چي په نوموړو ځايو کي د اخلاقي مفاسدو او شراب خوړلو چاري پرمخ بيول کيدي.

وبل کيږي چي د اخلاقي مفاسدو دغه پنځه واړه مرکزونو په چيناني اتباعو پوري اړه درلوده. موږ د کورنيو چارو وزارت دغه راز عمل ستايو او هيله من يوو چي ددغه وزارت بيدار امنيتي موظفين تل زموږ د ټولني د اخلاقي موازينو، اسلامي ارزښتونو او افغاني خصوصياتو په پام کي درلودلو سره هيڅکله هم ددغي پاکي ټولني په مخ کي کورنيو او يا بهرنيو کسانوته چي هغوي پواخي د خپل جيب د ډکولو په فکر کي وي اجازه ورنه کړي چي د فساد مرکزونه پرانيزي او زموږ ځوان نسل د شرابو په نيشه او د فحشاو په ګناهونو کي دوب کړي.

زموږ هيله داده چي زموږ ټول بهرني دوستان د خپلو سفارتونو له لاري په دي وپوهيږي چي زموږ په ټولنه کي اخلاقي فساد بازار نه لري او که څوک په دغه راز غير اخلاقي فعاليتونو لاس پوري کړي نو زموږ دخلکو دقهر او غوسي او زموږ دعدلي او قضائي مقاماتو له غبرګون سره به مخامخ شي. موږ ددغو پنځو رستورانتونو د بندولو د خبرني په بهير کي واوريدل چي په نوموړو ځايونو کي داسي خوني موجودي وي چي په هغو کي بايد دغه راز فسادونه سرته رسيدلي وي نو همدا لامل و چي له دغو ځايونو څخه 25 چيناني ښځي وويستل شوي او پريکړه وشوه چي هغوي بايد ديري ژر خپل هيواد ته واستول شي.

موږ د کورنيو چارو وزارت ددغه کار دستاينې په ترڅ کي هيله من يوو چي د کابل ښار يو شمير نور کورني او بهرني رستورانتونه هم تر کلکي څيړني لاندي ونيول شي او که داسي ونه شي نو ځيني کسان شايد د امنيتي مقاماتو له بي پرواني نه په استفادي سره د ببرک کارمل د الحادي نظام دنايت کلپونو د بيا راژوندي کيدو هڅه وکړي او زموږ ځوان نسل د اخلاقي فسادونو په سمندر کي لاهو کړي.

زن، نبوت و رسالت ۱

نوشتهٔ حفظ الرحمن سیوهاروی
ترجمهٔ محمد مصدق فقیری

مسألهٔ زن یکی از مهم ترین مسائل در هر برهه از زمان بوده است که در اکثر مواقع با بی انصافی هایی نیز از جانب جوامع مختلف رو به رو شده است.

خواه این ستم روزگار باشد یا ناتوانی فطری زنان، همیشه سرنوشت آنها به دست مرد ها رقم زده شده است و هر طوری که مرد خواسته، با او بر خورد گردیده است.

در مقام و منزلت انسانی زن علمای دینی اتفاق نظر دارند ولی برخی از آنها جایگاه زن را رفیع تر دانسته، معتقدند که زن می تواند نبی باشد.

متن زیر ترجمهٔ نظریات یکی از علمای اسلام، مولانا حفظ الرحمن سیوهاروی دربارهٔ نبوت زن است که از زبان اردو به دری برگردان شده است.

آیا زن می تواند نبی باشد؟

محمد بن اسحاق، شیخ ابو الحسن اشعری، قرطبی و ابن حزم معتقدند که زن می تواند نبی باشد و ابن حزم ادعا دارد که حضرت ساره، هاجره، ام موسی، آسیه و مریم علیهن السلام همگی نبی بودند، همچنین محمد بن اسحاق می فرماید که اکثر فقها بر این اعتقاد دارند که زن می تواند نبی باشد وقرطبی نیز معتقد به نبی بودن حضرت مریم است.

اما بر خلاف نظر این افراد، حسن بصری رحمه الله، امام الحرمین شیخ عبدالعزیز و قاضی عیاض اعتقاد دارند که زن نمی تواند نبی باشد. قاضی وابن کثیر می گویند که اکثر فقها به این امر اعتقاد دارند. حتی امام الحرمین ادعای اجماع را نیز دارد.

علمایی که معتقدند زن نمی تواند نبی باشد در دلایل خود به این آیهٔ مبارک استناد می نمایند:

"وماأرسلنا من قبلک إلا رجالاً نوحی إلیهم" (النحل)

وقبل از تو ما نفرستادیم مگر مردان که به سوی آنها وحی می فرستادیم.

همچنین در نبی بودن حضرت مریم این آیه را می آورند که می فرماید:

"ما المسیح بن مریم إلا رسول قد خلت من قبله الرسل و أمه صدیقه" (مائده)

پس ابن مریم یک پیغمبر است که قبل از او نیز پیغمبران بودند و مادر او راستگو بود و در فهرست کسانی که مشمول نعمت الهی اند و در سورهٔ نساء از آن ها یاد شده شامل است و مقام و درجهٔ صدیقیت به مراتب کمتر و نازل تر از نبوت است.

ولی افرادی که معتقد به نبی شدن زن هستند، می گویند از واقعاتی که قرآن کریم دربارهٔ حضرت ساره، ام موسی و

بعضی از علما اعتقاد به نبی شدن زن دارند و بعضی دیگر این مسأله را رد می کنند و گروه سوم در این باره سکوت اختیار کرده اند.

حضرت مریم علیهن السلام بیان فرموده است، به وضوح دیده می شود که از جانب فرشته های خداوند بر آنها وحی نازل شده و از طرف خداوند به آنها بشارت داده شده است. چنانچه حضرت ساره در سوره های هود و الذاریات، ام موسی در سورهٔ مبارک قصص وحضرت مریم در سوره های مبارک آل عمران و مریم، به واسطهٔ ملائکه یا بی واسطهٔ آنها مورد خطاب خداوند قرار گرفته اند.

دربارهٔ رسول شدن زن هیچ مسأله یی وجود ندارد وهمه معتقدند که زن نمی تواند رسول باشد ولی موضوع بحث نه رسالت بلکه نبوت است.

اما این وحی آن معنی واقعی ـ هدایت وجدانی و اشارهٔ مخفی ـ را ندارد؛ زیرا در آیت (و أوحی ربک إلی النحل) بر زنبور عسل نیز وحی شده است.

دلیل واضح نبی بودن حضرت مریم این است که در سورهٔ مریم همان طور که نام دیگر پیامبران ذکر شده نام او نیز آمده و در یک ردیف قرار گرفته است.

مثلاً (واذکر فی الکتاب موسی، و اذکر فی الکتاب ادریس، واذکر فی الکتاب اسماعیل، واذکر فی الکتاب ابراهیم واذکر فی الکتاب مریم)

یا مثلاً می فرماید: (وأرسلنا إلیها روحنا) ما به طرف مریم ملائکهٔ خود - جبریل- را فرستادیم.

یا می فرماید که (قال إنما أنا رسول ربک) من بدون شک از طرف پروردگار تو پیامبر مبعوث شده ام.

همچنین دربارهٔ صدیقه بودن حضرت مریم می گویند که اگر قرآن کریم او را صدیقه خطاب کرده این لقب به هیچ وجه مانع نبی شدن او نمی گردد. همان گونه که در نبی بودن حضرت یوسف هیچ شبهه یی وجود ندارد با آن هم قرآن کریم می فرماید:(یوسف أیها الصدیق) پس این لقب هیچ ممانعتی از نبی شدن ندارد، چون نبی حتماً صدیق هم هست اما عکس این، همیشه صادق نمی باشد.

دربارهٔ این مسأله طوری که در کتاب الفصل محدث مشهور ابن محمد حزم رحمه الله آمده است، در جای دیگری با این وضاحت و صراحت وجود ندارد، پس گوشه هایی از این کتاب را با قلم خود اشان که در خور مطالعه است، تقدیم می شیم:

نبوت زنان و ابن حزم

این فصل در بارهٔ موضوعی است که به خاطر آن در زمان ما در قرطبه (اندلس) اختلافات شدیدی به میان آمده است: بعضی از علما اعتقاد به نبی شدن زن دارند و بعضی دیگر این مسأله را رد می کنند و گروه سوم در این باره سکوت اختیار کرده اند. ولی افرادی که منکر نبی شدن زن هستند دلایلی محکم ندارند. البته بعضی از آنها این آیهٔ مبارک را منشأ اختلاف خود دانسته اند:

(وما أرسلنا من قبلک إلا رجالاً نوحی إلیهم) (النحل)

دربارهٔ رسول شدن زن هیچ مسأله یی وجود ندارد وهمه معتقدند که زن نمی تواند رسول باشد ولی موضوع بحث نه رسالت بلکه نبوت است.

ادامه دارد

بر ضرورت مبارزه با ...

که جهت تحقیق در بارهٔ حساب های بانکی مشکوک صورت می دهد ، استفاده می کند.

مقامات عربستان سعودی می گویند نمایندگان کشور هایی که هدف حملات تروریستی قرار داشته اند به این کنفرانس دعوت شده بودند.

رئیس سازمان اطلاعات بریتانیا، نمایندگان ملل متحد اتحادیهٔ اروپا، جامعهٔ عرب، مشاور امنیت داخلی امریکا و کارشناسانی از سازمان ملل متحد و پلیس بین المللی از جملهٔ حاضر کنفرانس بودند.

عمرو موسی منشی عمومی جامعهٔ عرب در سخنرانی خود از پیشنهاد امیر عبدالله مبنی بر ایجاد یک مرکز بین المللی مبارزه با تروریسم حمایت نمود و آن را تهدابی توصیف کرد، که در وقت مناسب پیشنهاد شده است.

او وعده داد که جامعهٔ عرب آماده است تا بادیگر کشور ها و نهاد ها در تأسیس این مرکز همکاری نماید او همچنان این نکته را که گویا تروریزم با مفکورهٔ اسلامی مرتبط است شدیداً رد کرد و گفت یکی از عوامل عمدهٔ ترور غصب حقوق مردم و حل وفصل غیر عادلانهٔ قضایا از سوی کشور های بزرگ می باشد.

او تشکیل یک کمیته، از دست اندرکاران وسایل ارتباط جمعی را که تحت پوشش سازمان ملل متحد و سازمان های منطقه یی در زمینهٔ تبلیغ و تنویراذهان مردم در رابطه به تروریزم و مواد مخدر فعالیت نماید ضروری خواند.

اختلاف در کنفرانس

اختلافات میان اعضای اشتراک کنندهٔ کنفرانس در مورد تعریف کلمهٔ تروریزم بروز کرد.

هیأت جمهوری اسلامی ایران مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران را ، مبارزهٔ مقدس خواند، که هدف ایشان مبارزهٔ مردم فلسطین و عراق برضد اشغال بود.

هیأت دولت سوریه پیشنهاد کرد که دولت های تروریست مانند اسرائیل باید نکوهش شوند.

رئیس هیأت آمریکایی ضمن سخنرانی خود جمهوری اسلامی ایران را مورد انتقاد قرار داد و ادعا کرد که تهران بزرگ ترین حامی تروریزم در جهان می باشد. سفیران آمریکا و بریتانیا در ریاض گفتند که این کنفرانس نشان می دهد عربستان سعودی در بارهٔ مقابله با تهدید تروریزم بین المللی جدیت دارد.

عربستان سعودی طی بیست ماه اخیر سرگرم مبارزه با پیکارجویان اسلامی بوده است. هدف از سازماندهی این کنفرانس نیز تأکید مجدد سعودی بر مشارکت این کشور در مبارزه علیه تروریزم می باشد نه تلاش جهت بهبود روابط خارجی.

کشورهای دیگری مانند ایتالیا و کنیا نیز در مورد مفهوم تروریزم نظرهای بسیار متضادی داشتند اما همه در مبارزه علیه شبکهٔ القاعده دیدگاه مشترک داشتند در این کنفرانس در پیرامون تروریزم، چگونگی ممانعت از رسیدن پول به گروه های تروریستی، وجلوگیری از قاچاق اسلحه ومواد مخدر بحث مفصل صورت گرفت.

در جریان این کنفرانس بین المللی، انتخابات شهرداری در عربستان برای نخستین بار صورت گرفت، به نظر تحلیلگران راه اندازی این دو واقعه با یکدیگر ارتباط داشته و مقامات عربستان با استفاده از این دو حادثه خواسته اند تا به جهان نشان دهند که در مبارزه با تروریزم جدی بوده و در عین حال در زمینهٔ تطبیق دموکراسی گام هایی را برداشته اند.

جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در اولین سخنرانی مهم و سالانهٔ خویش در کانگرهٔ آن کشور ازعربستان سعودی و مصر خواست دموکراسی را در کشور های شان عملی نمایند. نایف بن عبدالعزیز وزیر داخلهٔ عربستان سعودی در این کنفرانس اعلان کرد که کشورش در دو سال گذشته هدف عملیات تروریستی قرار گرفته و خسارات هنگفت مالی و جانی را متقبل شده است. امیر مسعود فیصل وزیر خارجهٔ عربستان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت راه اندازی این کنفرانس و انتخابات شهر داری هیچ ارتباطی با خواسته های جورج بوش ندارد. امیر فیصل از حکام کاخ سفید خواست که در پالیسی و سیاست خویش درمورد آزادی خاور میانه تجدید نظر نمایند.

د درمل شیندلو دویمه ...

تر لاس لاندې ونیول شي چې دهغو له مخې کروندګر په اقتصادي لحاظ پیاوړي او په خان متکي شي. د مخدره موادو د قاچاقبرانو له منګولو وژغورل شي. له هغوی سره د کرنې دماشینې کولو په لار کې مرسته وشي. اصلاح شوي تخمونه ورکړي شي. مصنوعي سري پري وویشل شي. د زراعتي کوپراتیفونو د جوړولو له لارې ورته د اوړدې او لنډې مودې پورونه ورکړي شي. د کریډت او کوپراتیف سیستم را ژوندي شي. او ورسره سم دهغوی دکلیو او باندو حلقوي سړکونه پلونه او پل چکونه جوړ شي. تراکتورونه ورکړي شي. ښوونځي. کلینکونه او دخښلو د اوبو سیستمونه ورته جوړ شي نو بیا هر کروندګر کولای شي خپله کته او تاوان وپیژني. دولت سره د همکارۍ لاس ورکړي دکوکنارو پرځای بوبل فصل وکري او ددغه راز فصل د کرلو له لارې خلکو. هیواد او دهیواد اقتصاد ته کته ورسوي.

موږ هیله من یوو چې ائتلافي خواکونه چې اصلاً د افغانستان دهواني حریم مسئولیت هم د دوی پرغاړه دې ددغه راز بشري ضد فاجعې د پیدا کولو مخه ونیسي او که چا د خلکو له ارادې خلاف په دغه راز عمل لاس پورې کړې وي هغه ته باید لازمه جزا ورکړي.

زموږ هیله داده چې نور څوک هڅه ونه کړي چې زموږ دخلکو او کروندګرو په وړاندې په توطئو او دسیسو لاس پورې کړي او داسې کړنې سرته ورسوي چې د هغو له مخې زموږ دهیوادوالو سر او مال ته تاوان ورسیږي.

همدارنګه موږ دخیل اسلامي جمهوري دولت له مقام څخه هیله من یوو چې نوموړي مسئله وڅیړي او پایله يې هیوادوالو ته وړاندې کړي او هغه څوک چې زموږ دملي او نړیوالو قوانینو او منل شویو میثاقونو په وړاندې يې دغه راز فاجعه رامنځ ته کړې افشا کړي او لازمه سزا ورکړي ترڅو په راتلونکي کې بل داسې څوک زموږ دهیوادوالو په وړاندې په خپل سر او غیر قانوني اقدام لاس پورې نه کړي

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۲ | چهارشنبه ۲۱ دلو ۱۳۸۳ | ۳۰ ذی الحجه ۱۴۲۵ - 9 February 2005

آیت الله محسنی

از رهبری حزبش کنار رفت



آیت الله محمد آصف محسنی از رهبری حزب حرکت اسلامی افغانستان کناره گیری کرد. مجمع عمومی این حزب آقای سید محمد علی جاوید را به رهبری این حزب برگزید.

آقای محسنی ۲۵ سال قبل سازمان جهادی حرکت اسلامی افغانستان را اساس گذاشت و تا کنون آن را رهبری می کرد.

آقای محسنی گفت به دلیل وضعیت جسمی و روانی وکهولت سن از رهبری این حزب کناره گیری کرده است وی همچنان گفت که از رهبری آقای جاوید حمایت می کند.

آقای جاوید رهبر جدید حرکت اسلامی افغانستان گفت که او می خواهد حزبش همچنان به دور از افراط و تفریط و با استقلال به پیش برود.

در نشست شرم الشیخ

بر یک آتش بس همه جانبه موافقه شد

سران چهار کشور به روز سه شنبه گذشته در شرم الشیخ گردهم آمدند و در پیرامون احیای روند صلح خاور میانه به توافقاتی دست یافتند.

در این نشست محمود عباس رئیس ادارهٔ خود گردان فلسطین، اریل شارون نخست وزیر اسرائیل، حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر، ملک عبدالله پادشاه اردن شرکت داشتند.

خانم رایز وزیر خارجهٔ امریکا یک روز قبل از آغاز جلسهٔ شرم الشیخ حین بازدید از رام الله و ملاقات با محمود عباس گفت کشورش سعی می نماید در جریان چند هفته و یا ماه های آینده تحرکی تازه به پروسهٔ صلح خاور میانه ببخشد او ابراز امیدواری نموده بود که این نشست به کامیابی انجامد نامبرده جنرال ولیام و درد را به صفت میانجی در منطقه معرفی کرده و از عباس و شارون دعوت نمود که در بهار آینده از امریکا دیدن نمایند. در نشست شرم الشیخ بر یک آتش بس همه جانبه موافقه گردید، و جانب اسرائیل تعهد سپرد تا هزاران زندانی فلسطینی را آزاد کند و با طرف مقابل جهت پی گیری روند صلح خاور میانه همکاری دوامدار نماید. از طرف دیگر، حماس اعلان کرد به آتش بس با اسرائیل متعهد باقی خواهد ماند. محمد زهار یکتن از رهبران حماس از مسؤولین ادارهٔ خودگردان خواست تا ایشان را در جریان مذاکرات شرم الشیخ بگذارد. از سوی دیگر بنا بر نوشتهٔ روزنامهٔ اندیپندنت ، خانم رایز بر اسرائیل فشار آورده است تا از هر اقدامی به خاطر تعویض محمود عباس خود داری نماید، وی و از پلان اسرائیل مبنی بر عقب نشینی از نوار غزه تمجید نموده است.



عباس و شارون

فعالیت شش رستورانت متوقف گردید

پس از آن که وزارت امور داخله کمیته یی را موظف ساخت تا رستورانت ها و مهمانخانه های شهر کابل را مورد بازرسی قرار دهد، ۱۲ دلو بازرسی تعدادی از رستورانت ها و مهمانخانه ها آغاز یافت. در نتیجهٔ بازرسی پانزده رستورانت داخلی و خارجی در شهر کابل، فعالیت شش رستورانت متوقف گردید که سه رستورانت آن توسط چینی ها اداره می شد.یک منبع وزارت امور داخله گفت در این رستورانت ها مشروبات الکلی به فروش می رسید و همچنان مدارکی به دست آمده است که زنان خارجی در این رستورانت ها مشغول اعمال غیر اخلاقی بوده اند. بر اساس یک خبر دیگر بیست وپنج زن چینی که متهم به انجام اعمال غیر اخلاقی در رستورانت ها و مهمانخانه ها ی شهر کابل می باشند توسط پلیس شناسایی گردیده و تحت نظارت قرار گرفته اند. و پس از بررسی پرونده های آنان، از افغانستان خارج ساخته خواهند شد.

هنوز سرنوشت قربانیان ...

قرار گزارش های منابع خبری، هشت نفر عملهٔ پرواز این هواپیما اتباع روسیه بوده اند. در جملهٔ مسافران ۶ تن آن شهروند آمریکا می باشند. هواپیمای بوئینگ ۷۳۷مربوط به کشور قرغیزستان از سپتامبر سال گذشته بدینسو در اجارهٔ شرکت هوایی کام ایر بوده است. گفته شده است پس از آن که این هواپیما در میدان هوایی کابل نتوانتسه است نشت کند به جانب میدان هوایی بگرام شتافته، تا جان سرنشینان خود را نجات دهد ولی از جانب نیروهای ائتلاف مستقر در بگرام اجازهٔ نشست نیافته و به پرواز خود ادامه داده است تا این که خود را بر فراز شهر کویتهٔ پاکستان رسانده است. در تماسی که با مسؤولان میدان هوایی کویته داشته است، پیلوت هواپیمای کام ایر از داشتن مواد سوخت صرفاً برای مدت پانزده دقیقه یاد آوری کرده است اما از جانب مسؤولان این میدان اجازهٔ نشست دریافت نکرده و پس از این همه تلاش ها تسلیم سرنوشتي شده است که قربانی شدن ۱۰۴ سرنشین و عمله، نتیجه آن بوده است.



چه کسی مسؤولیت این رویداد فاجعه بار و تأسف آور را خواهد داشت؟

یک تن از مسؤولان نیروهای ائتلاف این مسأله را که هواپیمای مذکور اجازهٔ نشست در میدان بگرام را خواسته است، شایعه دانسته و آن را رد کرد. این مقام، مقصر اصلی این حادثه پیلوت هواپیمای مذکور را دانسته که چرا با تا ور کنترل میدان هوایی بگرام تماس نگرفته است.

آقای عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت روز جمعه ۱۶ دلو در یک نشست مطبوعاتی در بارهٔ ناپدید شدن هواپیمای شرکت کام ایر گفت هواپیمای مسافر بری شرکت کام ایر روز پنجشبه از هرات پرواز نموده بود که نسبت خرابی هوا و نبود امکانات نشست در میدان هوایی کابل به جانب میدان هوایی بگرام رفته و در آنجا از جانب نیروهای ائتلاف اجازهٔ نشست برایش داده شد ولی پیلوت آن نشست نکرد و از صفحهٔ را، دار خارج گشت و ارتباط آن با میدان قطع گردید.

این که مقصر این سانحهٔ هوایی و قربانی جان ۱۰۴ سرنشین و عملهٔ آن پرواز کی می باشد در لابلای اسناد کمیسیون ها برای همیش خاموش گذاشته خواهد شد.

و مقصر اصلی این رویداد چون ده ها رویداد تأسف بار دیگر ناشناخته باقی خواهد ماند.

احمد مسیح

وجدان بیدار در ظلمتکدهٔ بی وجدانی!

نامهٔ یک عسکر اسرائیلی به مادرش

منبع: انترنت ـ اسلام، ان لاین

برگرداننده: عبدالله

مادر عرض حرمت دارم و ادای تعظیم.

از رفتار من بر آشفته مباش. حال خوبی ندارم. احساس می کنم که قطعاً به یک جانور بی رحم عوض می شوم. به آنچه انجام می دهم هیچ اعتقادی ندارم، فقط از دستور فرمانده اطاعت می کنم تا در چشم همگنانم به دختر ها شباهت نرسانم.

هرگز نخواهی فهمید که با تفنگِ آماده به شلیک وارد حریم خانه یی شدن که ده بچه، زن و پیر مرد در آن زیست دارند و به زبان تازی فریاد زدن و هورا کشیدن که هیچ کس از جایش تکان نخورد، یعنی چه؟!

مادر!

همین چند ماه پیش من دانش آموز مدرسه بودم؛ پسری مثل خمیر نرم و با عاطفه. اکنون بیشتر به دژخیم هایی که چیزی از مهربانی وانسانیت نمی دانند، همانند هستم!!

فرمانده رو به من فریاد می زند و دستور می دهد که باید آشپزخانه ها را بگردم و جستجو کنم. من نا گزیر ستل ها، پیاله ها، بشقاب ها و... را به هم می ریزم، خریطه های شکر، آرد و برنج را بر می گردانم و وارونه می کنم تا ببینم داخل شان تفنگچه یا نارنجک نباشد!

صدای به زمین افتادن وشکسته شدن اشیای تزیینی باعث می شود که دل آشوب بگیرد. از گوشه یی پسری با چشمان درشت پر از نفرت نگاهم می کند. می دانم اگر من جای او بودم، برای تمام عمر از سربازان یهودی متنفر می شدم. من هم اگر می دیدم که مادرم، یعنی تو، در حالی که خانه ات را زیر و رو می کنند، و تو مجبور می شوی همانجا روی فرش بنشینی وسرت را بر زمین بگذاری و از ترس برخود بلرزی، همهٔآنها را می کشتم!

اگر یکبار دیگر مجبور شوم با سلاح به خانه یی حمله ور گردم، سر پیچی می کنم.

مادرا!

عصیانی مشو، به زندان می روم اما وجدانم را نمی کشم!

خوب می دانم که در نبردی برابر، یک مرد در مقابل یک مرد حاضرم زندگیم را بدهم، اما نمی توانم ببینم که اسباب خانهٔ دیگری را سرنگون می کنم، دیوارها را می شگافم، پیرها را وادار به نشستن بر روی زمین می کنم، استفراغم می گیرد، از خودم متنفر می شوم! من دیگر من نیستم! با دو هم اتاقی ام در یک گروه هستیم، آنها هم مثل من احساس می کنند، با ایشان حرف زدم.

پیر زنی به صورت یکی از آنها تف انداخته بود! او بعد گریه کرد و سرش را زیر لحاف خوابش فرو برد؛ فقط شنیدم که مثل بچه ها هق هق گریه می کرد...

حالا اگر تصمیم گرفتم که از دستورات اطاعت نکنم و به زندان افتادم، تو منظورم را می فهمی!